



شمه‌ای در باره نظامی گنجوی

(۵۴۰ - ۵۹۹ هجری یا ۱۱۴۱ - ۱۲۰۲ میلادی)

«به قیاس شیوه من که نتیجه نو آمد
همه طرزهای تازه، کهن است و باستانی»
حکیم نظامی گنجوی

به يك حساب در سال جاری ۸۴۰ سال از ولادت شاعر اجوبه
و نابغه آذربایجان و ایران در نیمه دوم قرن ششم هجری و یا قرن
دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم میلادی می‌گذرد و لذا ذکر جمیل او
در این تاریخ واجب است.

درباره نظامی و زندگی و آثار او نوشتن مطلب تازه‌ای دشوار است.
علاوه بر ترجمه احوال و ارزیابی‌هایی که در تذکره‌های فراوان کلاسیک
ما مانند نفعات الانس جامی و تذکره الشعراء دولتشاه و خزانه عامره
آزاد بلگرامی و آتشکده آذر بیگدلی و بستان‌السیاحه تمکین شروانی و

کشف الظنون حاج خلیفه و **مجمع الفصحاء** رضاقلی‌خان هدایت و بسیار کتب دیگر شده، طی پنجاه سال اخیر نگارندگان تاریخ ادبیات در ایران به نظامی پرداخته‌اند و مقالات پژوهشگرانه بسیار نوشته‌اند.

بعلاوه در زبانهای روسی، ترکی عثمانی، ترکی آذری، آلمانی، انگلیسی، لاتین از سال ۱۷۷۶ میلادی به این سمت، کتب بسیاری حاوی شرح حال و ترجمه کامل یا گزیده اشعار نظامی چاپ شده است و بدون تردید می‌توان از همه اینها کتابخانه کاملی ترتیب داد.

در زبان فارسی، نوشته وحید دستگردی در مقدمه دیوان غزلیات و قصاید (دفتر دهم - سال ۱۳۱۸ هجری) و نوشته سعید نفیسی (ایضاً در مقدمه مفصل ۲۰۸ صفحه‌ای دیوان غزلیات و قصاید) و در روسی کتاب پرفسور برتلس ایران‌شناس شوروی تحت عنوان **نظامی شاعر بزرگ آذربایجان** (که در باکو چاپ شده و گویا آنرا بفارسی برگردانده‌اند) با تفصیل به نظامی پرداخته‌اند.

مقاله پنج صفحه‌ای محمدعلی تربیت در کتاب **دانشمندان آذربایجان** (تهران، ۱۳۱۴) و مقاله ۲۹ صفحه‌ای عبدالمحمد آیتی در مقدمه **داستان خسرو و شیرین نظامی گنجوی** (تهران، ۱۳۵۳) بنظر اینجانب از نوشته‌های خوب درباره نظامی است. بویژه نوشته آقای آیتی که با مراعات «خیرالکلام ماقل و دل»، مطالب لازم را گفته‌اند و استنباطات سالمی را به میان آورده‌اند.

البته به «خمسه» نظامی که در کنار **شاهنامه** و **کلیات سعدی** و **مثنوی مولانا** و **رباعیات خیام** و **دیوان حافظ** از جلیل‌ترین آثار ادب فارسی است، هنوز کم پرداخته شده و حال آنکه این «پنج گنج» واقعاً خزانة ایست سرشار از نوآوریهای جسورانه در ترکیبات، تلفیقات، استعارات، تشبیهات، واژه‌سازی‌های فصیح از جهت زبان و تحلیل‌های روان‌شناسانه و توصیف‌های هنرمندانه از جهت مضمون. بهمین جهت بیش از ۷۰ شاعر طی قرن‌ها از او تقلید کرده و به سبک او مثنوی سروده‌اند یا از وی تضمین‌هایی آورده‌اند. برخی تمام خمسه را (مانند قرآن یا مثنوی مولوی) از بر داشته‌اند و بعضی شاعران از آن «سراقات» مجاز و غیر مجاز (که نسخ و مسخ نام دارد) کرده‌اند و تنها بر اسکندرنامه بیش از ۱۰ شرح نوشته شده و تعداد شروع بر خمسه بسیار است.

داستان زندگی نظامی به اختصار چنین است.

وی گویا در سال ۵۴۰ هجری قمری در شهر گنجه (به عربی جنزه)

که در زمان تساریسم «یلیزاوه توپول» و امروز «کیروفآباد» نام دارد
متواند شد. طول عمرش را از قریب ۶۰ تا قریب ۸۰ ذکر کرده‌اند ولی
ظاهراً بین ۶۰ سالگی و هفتاد سالگی درگذشته است و ما از قول سعید
نفیسی ۵۹۹ و از قول یرتلس ۱۲۰۲ را ذکر کرده‌ایم. بهر جهت او خود
در آخرین منظومه‌اش «اسکندرنامه» از بیماری و پیری خویش بسیار
می‌نالند:

تهی نیست از تره‌ای خوان من
ز ناتن درستی است افغان من
.....
فرو ماند دستم ز می خواستن
گسran گشت پایم ز سرخاستن
هیون رونده، ز ره مانده باز
به بالین‌گه آمد سرم را نیاز
سر از لهر پیچید و گوش از سماع
که نزدیک شد کوچ‌گر را وداع

در دوران او شهر گنجه که پایتخت اران بود، پس از ویرانی شهر
برده پایتخت سابق اران، رونقی بزرگ یافته بود. بازرگانی ابریشم
و خز (دستار خز) و پارچه‌های «قطنی» و کشاورزی و باغداری پررونق
و احتمالاً دولتمداری عاقلانه اتابکان آذربایجان (مانند **شمس‌الدین ایلدگز**
و **شمس‌الدین جهان‌پهلوان** و **ایله‌گز قزل ارسلان** و **نصرت‌الدین ابوبکر**)
که «صاحبان» و «محتشمان» اران و دست‌نشانده آخرین پادشاهان سلجوقی
(مانند ارسلانشاه و طغرل سوم) بودند، این شهر را به آن‌جا رسانده بود
که این‌اثیر آنرا «ام‌البلاد» این نواحی نام نهاده است.

رونق شعر و ادب در این شهر و این که افرادی مانند **خاقانی**
شروانی و **مجیرالدین بیلقانی** و **ذوالفقار شیروانی** و **قوامی گنجوی** و
ابوالعلاء گنجوی و **ظہیرالدین فاریابی** و **فلکی شیروانی** و **مہستی گنجوی**
و نیز سنائی و ظہیرفاریابی با نظامی هم‌عصر و گاه هم‌شهری بوده‌اند،
نشانه‌ایست از این وضع. زیرا گیاه سحرآمیز هنر معمولاً در دوران
نامنی‌ها و تاخت و تازها می‌پژمرد. و تنها در اواخر عمر نظامی، شهر
گنجه از زلزله سختی زیان دید که نظامی بدان در «خسمة» اشاره می‌کند.
در این شهر بزرگ (یا نسبتاً بزرگ) **خزرها، ترکان سلجوقی،**
کردها، ارانی‌های مسیحی، ارانی‌های مسلمان، اعراب، شروانی‌های مسلمان،

ارمنی‌ها و گرجی‌ها زندگی می‌کردند.

نظامی علاوه بر «صاحبان» یا فتودال‌های بزرگ گنجه که نام بردیم با «صاحبان» کشور یا شهر همسایه شیروان و فتودال‌نشین‌های نزدیک دیگر در ارزنجان و موصل نیز سر و کار داشت. و آنها شاید از جهت رقابت با ارانشاهان، بنوبه خود از شاعری که شهرتش از موصل تا بخارا را گرفته بود نامه می‌نوشتند و از او می‌خواستند دفتری به نامشان بسراید. علاوه بر ارانشاهان و شروانشاهان، چنانکه گفتیم، **ملوک‌آق‌سنقر** و موصل نیز به شاعر فحل و گرانمایه ما توجه داشتند:

نهان مرا، آشکارا برند ز گنجه است اگر، تا بخارا برند
درباره زندگی خود، نظامی در ۳۲ هزار بیت خمسه به کرات اشاراتی دارد. از این اشارات و ابیات می‌فهمیم که مگر یکبار که برای دیدن شاه به سی‌فرسخی گنجه رفته، دیگر هرگز از شهر گنجه خارج نشده است:

توانم در زهد بر دوختن
به جمع آمدن، مجلس افروختن
ولیکن، درخت من از گوشه رست
ز جا گر بجنبید، شود بیخ سست

یا:

منم، روی از جهان، در گوشه کرده
کفی «پست جوین» رهتوشه کرده
(پست Pâtée یعنی چیزی از خمیر، نان جوین)

یا به زهد و ورع خود اشاره دارد و از «چله‌نشینی»های او حکایت می‌کنند. بهمین جهت در برخورد با شاه، او را بسبب زهدش احترام می‌کند:
شکوه زهد من بر من نگه داشت

(نه زان پشمنی که زاهد در کله داشت)

به علم (بویژه نجوم و فلکیات که خود او اسرار فلک می‌نامد) معروف بود. او را «حکیم» و «خواجه» و «شیخ» (!) نامیده‌اند و به «تصوف اوپسی» نسبت داده‌اند. برخی مصطلحات صوفیه، نه به فراوانی، در آثار او هست. نام خودش الیاس و نام پدرش یوسف زکسی بن موید بوده، مادرش رئیسه نام داشته و کرد بود. اینکه آیا به ترکی آذری سخن می‌گفته نمی‌توان حکم قطعی کرد. شعری به آذری از او با همه جستجوها بدست نیامده است. اینکه اصلا قمی و یا تفرشی است بهیچوجه ثابت نشده است. آنچه مسلم است خود او در گنجه زاده و در گنجه درگذشته است. زن اولش

کنیزکی بود که شاه به وی بخشید (اینکه برخی‌ها نامش را آفاق دانسته‌اند، مورد تردید است) و فرزندش محمد از آن زن بود که در جوانی (در ایام سرودن خسرو و شیرین) مرد و نظامی را این مرگ سخت سوزاند و بسیاری از نازک‌کاریها و احساسات شعله‌خیز خسرو و شیرین نتیجه این مرگ نابهنگام است:

اگر شد ترکم از خرگه نهانی خدایا ترک‌زادم را تو دانی
سپس زن دیگری گرفت که او هم مرد. سپس زن سومی گرفت که او هم مرد. در اسکندرنامه می‌گوید:

مرا طالعی طرفه هست از سخن
که چون نو کنم داستانی کهن
در آن عید، کان شکر، افشان کنم
عروسی شکر خنده، قربان کنم
همیشه با یک زن محبوب و جوان بسر می‌برد که او را از دست می‌داد. در تحلیل روانی خود، خویش را مردی بی‌آزار و خوددار معرفی می‌کند. در لیلی و مجنون می‌گوید:

تا من منم، از طریق زوری
نازده ز من، جناح موری
دری به خوشاب کس نشستم
شوریدن کار کس نجستم
دانم که غضب نهفته بهتر
وان گفته که شد نگفته، بهتر
ولی طبیعتاً فرومایگانی بودند که عظمت مقام علمی و ادبی او را بر نمی‌تافتند:

حاسد ز قبول این روائی (روائی یعنی رواج، حسن قبول)
دور از من و تو، به ژاژخائی

نبوغ شعری، وسعت معلومات، روح بی‌نیاز در او نوعی عزت نفس و غرور بجا می‌آفرید که ژاژخایان رشکین آنرا تاب نمی‌آوردند و این داستانی همیشگی است.

مهمترین اثر نظامی **خمسه** است که مانند **شاهنامه** فردوسی برای عصر خود مهمترین اثر هنری جهانی بوده است و مرکب است از «مخزن‌الاسرار» و «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «هفت پیکر یا بهرام‌نامه» و «اسکندرنامه».

در بهرام نامه می نویسد:

باز جستم ز نامه های نهان
که پراکنده بود گرد جهان
زان سخنها که «تازی» است و «دری»
در سواد «بخاری» و «طبری»
وز دگر نسخه ها، پراکنده
هر دری در دفینه افکنده
هر ورق کاو فتاد در دستم
همه را در خریطه ای بستم.

«خریطه» یعنی کیسه چرمین. پس نظامی همان کاری را کرد که فردوسی هم کرده بود. یعنی فردوسی نیز شاهنامه را براساس جستجوهای شخصی فراوان خود فراهم آورد و نظامی نیز. نظامی بر آن بود که فردوسی «همه چیز» را نگفته و تقریباً نقش خود را نقش «مکمل» کار فردوسی می داند:

سختگوی پیشینه، دانای طوس
(که آراست روی سخن چون عروس)
در آن نامه، کان گوهر سفته راند
بسی گفته هائی که ناگفته ماند

غیر از **خمسه** دیوان غزلیات و قصایدی از او بجاست که می گویند نسخه کاملی از آن در قاهره است و لسی هم وحید دستگردی و هم سعید نفیسی، هر کدام نسخه ای ناقص از آن نشر داده اند که مال سعید نفیسی ۱۹۸۹ بیت دارد. دعوی می کنند که دیوان اصلی دارای سی هزار بیت است (یا بود).

حال برای مزید فایده درباره ۵ اثر اصلی نظامی برخی اطلاعات تاریخی ذکر می کنیم:

۱- **مغزن الاسرار** به حساب نفیسی ۲۶۰۰ و به حساب آیتی ۳۲۵۰ بیت دارد. در بحر «سریع مطوی موقوف» است (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن) بنام ملك فخرالدین بهرامشاه داوود صاحب ارزنجان روم ساخته و بابت آن ۵ هزار دینار زر سرخ و سه سر استر گرفته. بقولتی در ۵۵۲ و بقولتی ۵۷۰ آنرا تمام کرده که قول اخیر درست بنظر می رسد.

۲- خسرو شیرین به حساب نفیسی ۷۷۰۰ و به حساب آیتی ۶۵۰۰ بیت دارد. در بحر هزج مسدس محذوف است (مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) بنام دو پادشاه ساخته. اول: رکن‌الدین طغرل‌ابن ارسلان سلجوقی (طغرل ثالث) و چون او در اثناء سرایش منظومه کشته شد، آنرا بنام اتابیک قزل ارسلان تمام کرد. خاتمه سرایندگی بقولی ۵۸۰ و بقول اصح ۵۸۷ است.

۳- لیلی و مجنون که خاقان کبیر ابوالمظفر اخستان شاه طی یک نامه پنج سطرپی سرودن این قصه معروف در نزد اعراب (عشق‌بازی قیس‌بن عامر با لیلی) را از او خواسته است. نظامی فکر می‌کرد چیز مهمی از این قصه در نمی‌آید. پسرش محمد تشویقش کرد و اتفاقاً به‌مراه خسرو و شیرین از مثنویات مشهور خمسه از آب درآمد. به حساب نفیسی ۵۱۰۰ و به حساب آیتی ۴۷۰۰ بیت است. وزن آن هزج مسدس اعراب‌مقبوض است (مفعول مفاعیلن فعولن) ظاهراً در ۵۸۸ سرودنش به پایان رسید.

۴- بهرام‌نامه (یا «هفت پیکر» یا «هفت‌گنبد») از قصه‌های مربوط به بهرام گور ساسانی. به حساب نفیسی در ۵۶۰۰ و به حساب آیتی در ۵۰۰۰ بیت. در وزن خفیف مخبون مقصور (فاعلاتن مفاعیلن فعولن یا فعولن)، علاء‌الدین کرپارسلان از امپران آق‌سنقری (اتابکان زنگی) از او سرودن آنرا خواست:

چون اشارت رسید پنهانی از سراپرده سلیمانی
دقیقاً روشن است که در ۱۴ رمضان سال ۵۹۳ سرودن این هفت
داستان پایان یافته است.

۵- اسکندرنامه که در دو بخش و مجموعاً در ۱۰۸۰۰ بیت است:
۱- «شرف‌نامه» یا «مقبیل‌نامه» یا «اسکندرنامه بری» در ۷۱۰۰ بیت در بحر متقارب مقصور (فعولن فعولن فعولن فعولن). همان بحرپی که تقارب نام دارد و حماسه فردوسی و همه حماسه‌های ما در این وزن است. نفیسی بر آنست که در زبان پهلوی نیز متداول بوده است. سرودن آن بنام ملک جهان پهلوان نصرت‌الدین مسعود (پسر اخستان شاه سروان) است.

۲- «اقبال‌نامه» یا «اسکندرنامه بحرپی» در ۳۷۰۰ بیت در همان وزن و بنام دو پادشاه: یکی ملک جهان پهلوان که ذکرش گذشت و دیگر الملك‌القاہر عزالدین ابوالفتح مسعود. در سال ۶۰۳ سرودن آن بپایان رسید.

«اسکندرنامه» به نثر در همان ایام وجود داشت. ظاهراً یکی از

اطرافیان اسکندر بنام (Calistenes) (کالستهنس) داستانهائی درباره اسکندر پرداخته بود. سپس این داستانها به سریانی ترجمه شد. آنگاه از سریانی به پهلوی و از پهلوی به فارسی دری درآمد. و از آنجا که نام اسکندر در قرآن آمده، این جوان جهانگشای مقدونی در منظومه نظامی چهره موجودی فرزانه و مقدس نیز بخود گرفته است و می‌گویند ذکرش با داستان اسکندر دیگری بنام «ذوالقرنین» یا «دارنده دو زمان» (Bischronus) در آمیخته شده است. بهرجهت مطالبی که قابل تحقیق است، این مطالب است.

نظامی پایه‌گذار ادبیات روائی و افسانه‌های بزرگ غنائی منظوم ماست که در تاریخ مشترک خلقهای خاورمیانه بی‌همتا مانده است. نیرومندی تخیل، گاه کلامش را دشوار می‌سازد. وحید دستگردی به یاری شروحنی که بر «خمسه» نوشته است و با استنباطات و استدراکات خودش کوشیده است گره‌ها را بگشاید و الا ابیات نامفهوم و همچنین ابیات الحاقی در «خمسه» مانند هر کتاب معروف منظوم دیگری بسیار بوده است.

با همه کارهای فراوانی که درباره نظامی شده باز هنوز اول کار است. تنها يك «ادب مقایسه‌ای» می‌تواند جای واقعی نظامی را از جهت تکنیک داستان‌نویسی و نیرومندی پندار هنری در سطح و مقیاس ادب‌جهانی معین کند. همچنین منشاء داستانهائی را که سروده معین گرداند.

به تصور نگارنده، نظامی بدون تردید، اگر اولین نفر در رده اول شاعران روائی قرون وسطائی جهان نباشد، یکی از افراد معدود رده اول است. نگارنده منظومه‌های یونانی و رومی و هندی و قرون وسطائی اروپائی و منظومه‌های فارسی و عربی، همه و همه را در نظر می‌گیرد.

حق کاملاً با نظامی است که می‌گوید:

پس از صد سال اگر گوئی: «کجا او؟»

ز هر بیتی ندا آید که: «ها! او!»

و اینک پس از قریب هزار سال نیز.

مردم آذربایجان شوروی که نظامی شهروند آنهاست و ما که نظامی به زبان ما، پارسی دری شعر سروده و نیز مردم تاجیکستان و افغانستان که شرکاء این ارثیه گرانبها هستند، حق دارند به داشتن نظامی گنججوی بیالند. سهم خلق کرد را که نظامی از میان آنها برخاسته در برخورداری از این ارثیه نباید فراموش کرد.

درباره آفرینش هنری نظامی و فضای تمدن ساجوقی

درباره آفرینش هنری نظامی، تا آنجا که نگارنده خیر دارد، تنها در اثر ایران‌شناس روس «یوگنی برتلس» تحت عنوان **نظامی شاعر بزرگ آذربایجان** بحث‌هایی شده است. این کتاب راحسین محمدزاده صدیق از ترکی آذری بفارسی در سال ۱۳۵۵ ترجمه کرده است و رساله نسبتاً مختصری است در ۱۷۶ صفحه.

سخنان برتلس درباره دوران زندگی نظامی خالی از مسائل قابل بحث نیست و نظر پژوهندگان ایرانی (از آنجمله درباره عضویت نظامی در جمعیت «اخیه») با نظر برتلس تفاوت دارد. داوری در این مسائل مورد تفاوت آسان نیست و شاید تنها بتوان با توسل به تحقیقات بسیار دقیق حکم مثبت یا منفی صادر کرد. ولی بحث برتلس درباره بخشهای مختلف خمسه نظامی «فتح بابی» درباره تحلیل ادبی این اثر کبیر است که باید دنبال شود.

شاهنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی، ویس و رامین، منظومه‌های عطار و سنائی، خمسه نظامی، مثنوی مولوی، بوستان سعدی و برخی آثار دیگر (البته با تفاوت از جهت اهمیت هنری) درخورد بررسیهای وسیعی از جهات مختلف ادبی و استه‌تیک هستند و این کاری است که شاید درمورد فردوسی به زبان فارسی و زبانهای خارجی بیشتر انجام گرفته که آن نیز ناقص است ولی درمورد شاعران بزرگ دیگر این تلاش هنوز کافی نیست. این آثار منظوم و آثار منظوری مانند **کلیله و دمنه، اسکندرنامه، طوطی‌نامه، سمک عیار، داراب‌نامه، مرزبان‌نامه، چهارمقاله عروضی، سیاست‌نامه نظام‌الملک، گلستان سعدی** و بسیار کتب دیگر که در آن حکایات طولانی یا مقامات کوتاه درج شده، نشان می‌دهد که فن داستان‌نویسی در ایران از دیرباز، حداقل از دوران ساسانی رونقی بسزا داشته است و از جهت فنی و بدیعی به حد بالائی رسیده بود.

بدون تردید غالب این داستانها سرشار از تخیلات افسانه‌آمیز، پندارهای عامیانه، التباسات و خلط‌های عجیب و غریب، جایجا شدن تاریخی حوادث، تفسیرهای دلخواه و گاه خرافی، پندارهای کودکانه و فسون‌آمیز است. ولی در عین حال ارزش والای هنری و فرهنگی و تاریخی آنها که گاه به حد شاهکارهای درجه اول جهانی می‌رسد، انکارناپذیر است. یکی از مختصات این داستانها جنبهٔ سنکرتیک یا ترکیبی آنهاست. تردید نیست که هم در نزد فردوسی و هم در نزد نظامی، دو شاعر داستان‌سرای داعی، حوادث مختلفی که برخی از چین و هند آمده و برخی از یونان و مصر، بعضی از شمال و بعضی از جنوب، مخلوط گردیده‌است ولی از آنها توقعی جز این نمی‌توان داشت. تاریخ و زمان در این دورانها سخت مقلوب و تاریک بود.

داستانهای **خمسه** (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بهرام نامه و اسکندرنامه)، هر یک در نوع خود شاهکاری است. بدون کمترین تردید **خمسه** نظامی را می‌توان همپای **مهابهاراتا**، **شاهنامه** ایلیاد و **اودیسه** هم، **انه‌ئید** و **یرژیل**، **ببرینه‌پوش** شوتاروستا و **لی**، **پهشت گمشده** میلتون، **گمدی خدایان** دانته، **گفتاری دربارهٔ سپاه ایگور**، و در ردیف بهترین آفرینش‌های هنر و فرهنگ انسانی در دوران باستان و سده‌های میانه دانست.

اسکندرنامه (اقبال نامه و مقبل نامه) یک دائرةالمعارف واقعی از فرهنگ و بینش عصر نظامی است که طی آن نظامی به همهٔ چیزهای مورد توجه و کنجکاوای عصر از کشف غروبگاه خورشید و سرچشمهٔ نیل، پایان جهان، سرزمین خاقان چین و رای‌هند، سد یا جوج و مأجوج، کشور ظلمات، برج آینده‌دار اسکندر، بحث‌های فلسفی با خردمندان یونان، کتابها و دانشهای رمزآمیز، ذوالقرنین، خضر، الیاس، عروج به آسمان، پریان دریائی، جنگ با زنگیان آدمخوار، شهر بی بازگشت، غار کینخسرو، گوهر معجزه و غیره و غیره پرداخته است. برخی نمادهای این داستان از جهت زیبایی و ژرفا کم‌نظیر است. برای پژوهنده دقیق جالب خواهد بود که چگونه نظامی دو هزار سال تاریخ را در زیستنامهٔ یک اسکندر افسانه‌آمیز می‌فشرد و حوادث قریب‌العصر خود (مانند یورشهای محمود به هند و حملهٔ روسها و خزرها به شهر بردعه در قفقاز) را با افسانه‌های دیرین مانند اسطوره‌های یونانی درمی‌آمیزد!

پس از اسکندرنامه که صرف نظر از ارزش ادبی، مهمترین آفرینش

داستانی نظامی است، **بهرامنامه** یا **هفت گنبد** تقریباً دارای چنین خصلتی است. آنجا نیز با تکیه به قصه‌هایی که به تصریح خود نظامی به زبانهای مختلف (فارسی، عربی، پهلوی و غیره) موجود بوده، نظامی تابلوی رنگین و شگرف و بسیار وسیعی از دوران سلطنت یزدگرد بزهکار و پسرش بهرام و کاخها و عیشها و چالاکیها و دلاوریهایش می‌دهد و در برخی موارد به نقطه اوج غنائی و توصیفی می‌رسد.

در داستان **خسرو و شیرین** و **لیلی و مجنون** نیز از جهت بفرنجی و سنجیدگی فنی و ارزش هنری مقام والائی دارد. شهرت این دو داستان از جهت پرداختن به عاطفه نیرومند «عشق» و دادن تحلیل‌های روانی پر از ریزه‌کاری‌ها، بیشتر است و نظیره‌سازیمای فراوانی درباره آنها انجام گرفته است که نشانه وجه بزرگ این آثار است.

نکته جالب آنست که یوگنی برتلس داستان مهین بانو «شمیرا» را در خسرو و شیرین، با داستان «نوشابه» دختر حاکم بردعه در اسکندرنامه و داستان گرجی-ارمنی «تامارا» مربوط می‌شمرد و این امر را تأثیر محیط قفقاز در شاعر بزرگ گنجه می‌داند. مسلماً برتلس برای این ارتباط دلایلی در دست داشته است.

تاکنون کار تفسیری نسبتاً وسیعی درباره مشکلات خمسه شده است ولی از دیدگاه داستان‌شناسی و یافت مبداء اینهمه چهره‌ها و نامها که نظامی ذکر می‌کند، کار زیادی نشده است. نظامی بر اثر غرور نبوغ-آمیزش، سخت می‌کوشد تا نه تنها در آسته‌تیک، بلکه در نقل داستانها بدیع و نوآور باشد و کار «دانای طوس» یعنی فردوسی را تکرار نکند. از این جهت نیز باید او را موفق شمرد.

توجه یوگنی برتلس به ویژگیهای تمدن ایران در دوران سلجوقی نیز جالب است. برتلس در این زمینه، مانند غالب‌خاورشناسان، نمی‌تواند آن احساس، آن لمس و آن دقتی را داشته‌باشد که یک پژوهنده وارد ایرانی دارد، ولی از جهت اسلوبی او بدرستی نوعی رشد «ادبیات شهری» را در قبایل ادبیات درباری دوران‌های پیش از سلجوقی و گسترش فارسی را در دامنه‌های وسیع متصرفات سلجوقی یادآور می‌شود.

درواقع این تحول پیش از سلجوقیان، از دوران غزنویان آغاز می‌شود، ولی این که دوران سلجوقی مانند دوران ساسانی و صفوی، فصول مهم و خاصی را در تمدن فتودالی ایرانی ایجاد کرده است، در آن حرفی نیست. این یک دوران نسبتاً طولانی (از اوائل قرن پنجم تا اوائل قرن

هشتم) است که پنج شاخه از سلاجقه در خراسان و عراق و کرمان و بخشی از روم (ترکیه امروز) و شام (سوریه امروز) حکومت راندند. سلاجقه خراسان بعنوان «سلاجقه کبیر» بر بقیه شاخه‌های سلجوقی نوعی زعامت معنوی داشتند (طغرل، البارسلان، ملکشاه، سنجر) ولی شاخه‌های تابع در عرصه تسلط خویش خودمختار بودند و این از خصلت «ایلیاتی» آنها برمی‌خاست. زندگی نظامی در این عصر گذشت.

این نکته نیز که بسط شهر و تمدن شهری و سازمانهای صوفیان و فتیان و عیاران و اسمعیلیان و شهرت داستانسرایی‌ها و رواج زبان پارسی در این دوران شاخص‌های نظرگیر است نمی‌تواند مورد تردید باشد و بدینسان نظامی اگر در واقع عضو سازمان «اخیه» بوده، با آن گوشه‌گیری مصرانه خود از دربارها (علی‌رغم مراجعه مکرر آنها به او) و با آن کنجکاووی او برای گردآوری داستانها، یک نماینده نمونه‌وار فضای خاص ایران سلجوقی است. این فضا را در داستان منشور «داراب‌نامه» نیز می‌توان منعکس یافت.

نگارش ویژه‌نامه‌هایی درباره تمدن ساسانی، سلجوقی، صفوی برای روشن‌سازی تاریخ کشور کار مأجوری است. در مورد تمدن ساسانی آثار کریستنسن از خاورشناسان و سعید نفیسی از ایرانیان وجود دارد. درباره تمدن صفوی نصرالله فلسفی و باستانی پاریزی گامهای مهمی برداشته‌اند. درباره تمدن سلجوقی بررسیهایی راجع به اسماعیلیه و عیاران و عرفان و روابط سیاسی-اقتصادی این دوران انجام گرفته، ولی این بخش هنوز چشم‌براه پژوهشهای بهم‌پیوسته‌تر و وسیع‌تری است. فتووالیسم ایرانی در این عصر دارای ویژگی در ویژگی است و نقش خاصی (گاه مثبت و گاه منفی) از تاریخ‌دیرینه ما ایفاء کرده است.

۱. ط. (آبان ۱۳۶۰)

مقالات

هنر، سیاست و تاریخ

دو سنفرانی در باره‌ی شعر

برای یگ سیر تکاملی سالم در موسیقی

تکامل ادب فارسی در دوران بعد از اسلام

درباره‌ی ماشین بخرنج «رمان»

درباره‌ی حد و مرز فلسفه

درباره‌ی دو بینش بزرگ فردگرایانه در تاریخ

در

کتاب‌فانه «به سوی آینده»

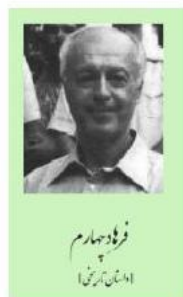
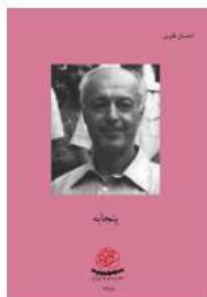
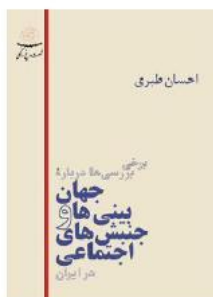
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق احسان طبری به تارنکارهای زیر مراجعه کنید!

<http://www.tudehpartyiran.org>

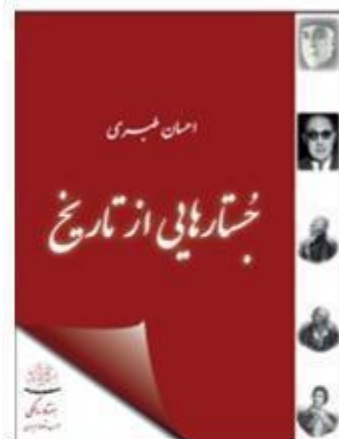
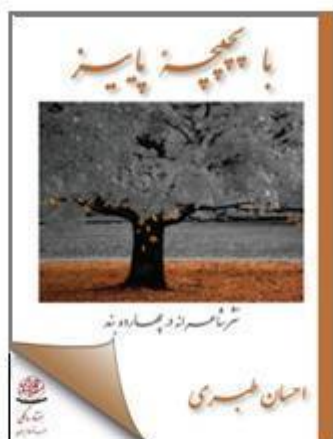
۱- کتابخانه حزب توده ایران

<http://tabari.blogspot.com>

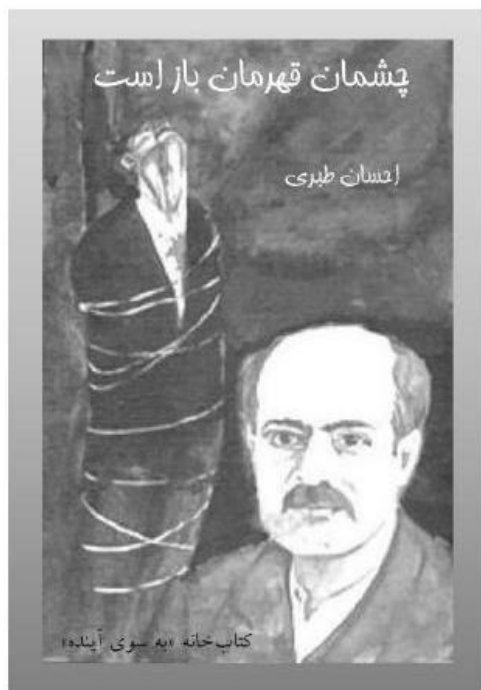
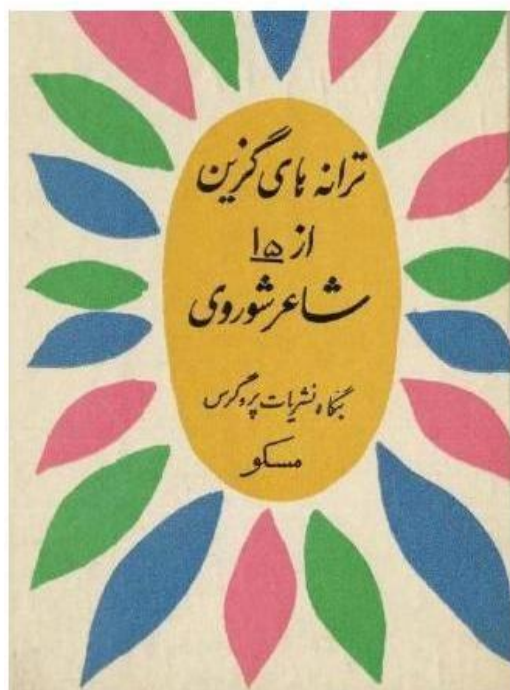
۲- انجمن دوستداران احسان طبری



از انتشارات حزب توده ایران



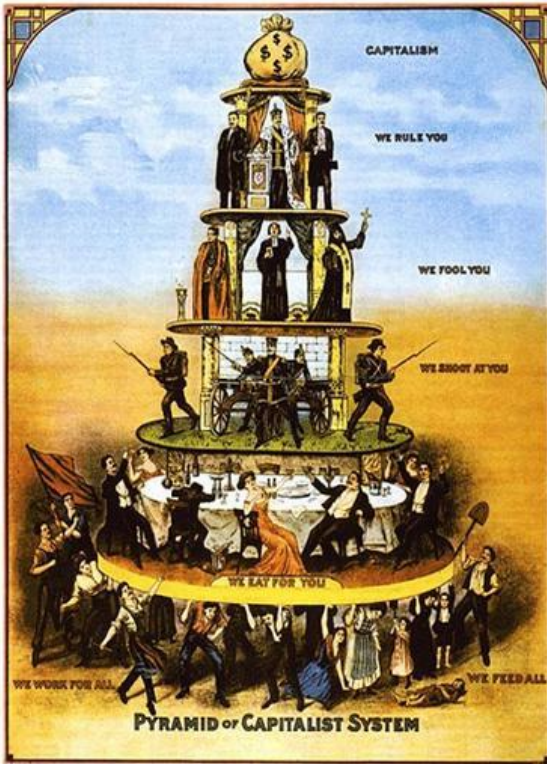
کتابهای زیر از رفیق احسان طبری منتشر شد!



شعر امروز و راه و رسم آن

گفتگویی پرسش‌گونه میان دو شاعر
(مهاوش کسرائی و احسان طبری)





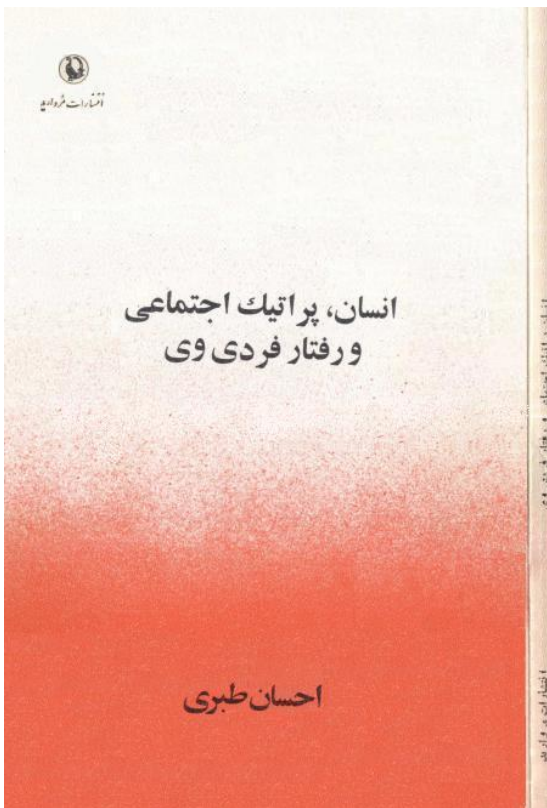
چند مسئله اجتماعی

احسان طبری

میهن پرستی، دمکراسی، آزادی مطبوعات، آزادی

دیپلماسی، استقلال، جنگ و صلح

دانا انتشار: کتابخانه «به سوی آینده»



جامعه و جامعه شناسی
نقدی بر تئوری همگرایی
مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان
احسان طبری

انتشارات فردا



احسان طبري به سال ۱۲۹۵ در شهر ساري متولد شد. در دوران استبداد رضاشاهي، در شمل گروه پنجاه و سه نفر باران نكتر نقي اراني، زنداني گرديد. در شهريور ۱۳۲۰ در ايجاد جنبش توداي و رهبري آن دخالت قفل داشت. در ۱۳۲۸ به اتهام واهي، مانند ديگر همزمانيش به متكل غيايي محكوم به اعدام شد. بنابه دستور سازمان، ننگزيں به جلاي وطن گرديد و اينكه پس از سي-سال دوري از ميمين، در پرتو انقلاب بزرگ مردم ايران عليه استبداد، بار ديگر به خاك زانيموش باز گشته است.

احسان طبري از جواني در رشته‌هاي مختلف شعر، قصه، تقهيري، بررسي‌هاي فلسفي و تاريخي و زباني، آثري ايجاد کرده و در دوران طولاني مهاجرت اين تلاش را ادامه داده است. و در هر زمينه اثر متعددي نگاشته است. احسان طبري تخصصات خود را در «اکادمي علوم اجتماعي» مسکو انجام داد، به تربيت مقام علمي «نامزد علوم فلسفي» موفق شده، سپس از راه در «اکادمي علوم اجتماعي» برلين ادامه داد، به تربيت مقام علمي «دکتر هابيل در فلسفه» رسيد. وي با زبان‌هاي مختلف ثروفي و غربي آشنا شد.

اثر احسان طبري در زمينه شعر کلاسيک و نو، قصه و رمان، تحقيقات ادبي و فلسفي، بررسي‌هاي لغوي و زباني و فولکلوريک، نوشته‌هاي سياسي و اجتماعي بسيار متعدد و متنوع است. برخي از آنها نشر يافته و آنچه که در ماهي انقلاب اخير، به شگلي که زودتر، در دسترس خوانندگان شائق قرار گيرد، منتشر شده، نيز مانند تجميع چاپ است. احسان طبري به عنوان نويسنده و منتقد نه تنها در کشور خود، بلکه در مقابله بسياري کشورها شناخته شده است.

خانواده برومند

احسان طبري



۴ احسان طبري

خانواده برومند



آثار استراره اريد

تقدري بر تئوري همگرائي

احسان طبري

جامعه و جامعه‌شناسي

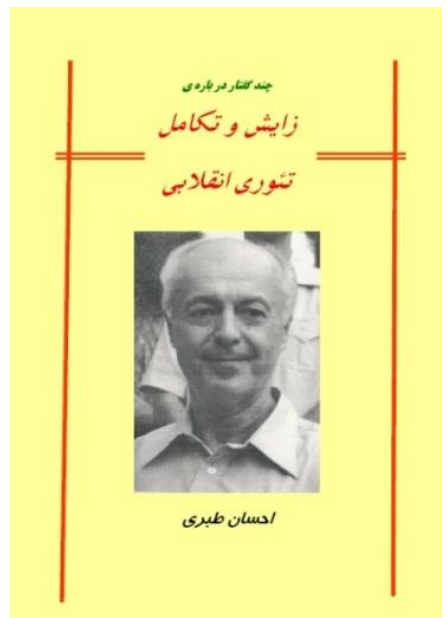
انسان، پرايک اجتماعي

مسائلي از فرهنگ و هنر و زبان

از احسان طبري



آثار استراره اريد



کتابخانه «انجمن دوستداران احسان طبری»

<http://tabari.blogsky.com>

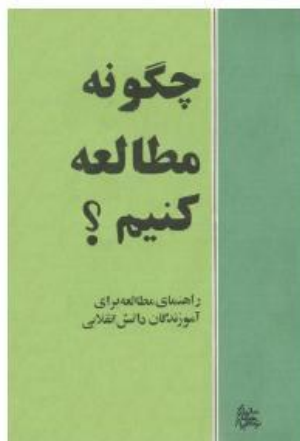
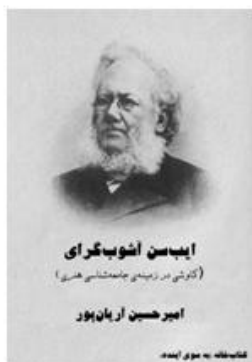
آثار احسان طبری :

- ✓ سطح امروزین فلسفه
- ✓ قصه ی شغال شاه
- ✓ جستارهایی از تاریخ
- ✓ در باره سمیوتیک
- ✓ پنجابه
- ✓ منتخب مقالات
- ✓ در باره منطق عمل
- ✓ سفر جادو
- ✓ گزیده مقالات
- ✓ با پچپچه های پاییز
- ✓ هورستیک
- ✓ درباره سیرنتیک
- ✓ جامعه شناسی
- ✓ تاریخ یک بیداری
- ✓ گنومات
- ✓ شکنجه و امید

- ✓ دهه نخستین
- ✓ فرهاد چهارم
- ✓ داستان و داستان‌نگاری
- ✓ چهره یک انسان انقلابی
- ✓ از میان ریگ‌ها و الماس‌ها
- ✓ درس‌های پیکار
- ✓ سیر تکوین ماده و شعور
- ✓ رانده ستم و چهره خانه
- ✓ نیروی سوم پایگاه اجتماعی امپریالیسم
- ✓ راهی از بیرون به دیار شب
- ✓ زایش و تکامل تئوری انقلابی
- ✓ مارکسیسم لنینیسم به زبان ساده (الفبای مبارزه)
- ✓ آموزش فلسفه علمی (بنیاد آموزش انقلابی)
- ✓ تئوری سیستم‌ها و اصول دیالکتیک
- ✓ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری
- ✓ مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان
- ✓ برخی اندیشه‌ها درباره دیالکتیک
- ✓ سیستم و برخورد سیستمی
- ✓ جامعه ایران در دوران رضا شاه
- ✓ برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران

سخنرانی‌ها :

- ✓ دیالکتیک
- ✓ بابتی سنذر
- ✓ ناکجاآباد
- ✓ کافکا



کتابخانه به سوی آینده در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات **سازمان جوانان حزب توده ایران** و «با کدام کتابها آغاز کنیم؟» از انتشارات **کانون دانش‌آموزان ایران** را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!

(... کار و دانش را به تخت زر بنشانیم ...)

انتشار این سری از کتاب‌های کتابخانه «به سوی آینده» به افتخار قرار گرفتن قریب‌الوقوع در آستانه‌ی هفتادمین سالگرد آغاز پیکار حزب طراز نوین توده‌ها: **حزب توده ایران**، در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشانشان، در راه بهروزی میهن و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، تقدیم علاقمندان می‌گردد.

کتابخانه «به سوی آینده»، (هوادار حزب توده ایران)

